

ضعف حکومت پادشاهان قاجار و فساد و عقب‌ماندگی حاکم بر سیستم حکومتی در آن دوران شرایط مناسبی فراهم آورده بود که مغرب زمینیان با سوء استفاده از عدم آگاهی دولتمردان ایران ارزش پول ملی ما را به سود اقتصاد خود کاهش دهند. یک سند مربوط به این واقعه را می‌توان در کتاب خاطرات حاج سیاح جستجو کرد.

در این کتاب آمده است: «ناصرالدین شاه خطاب به حاج سیاح می‌گوید در طول ۱۸ سالی که از ایران دور بودی وضع ایران تغییر کرده است یا نه؟ حاج سیاح پاسخ می‌دهد: بلی بسیار... یکی از تغییرات مهم در این چند سال که خوب به چشم می‌خورد نزول ارزش پول

است. پول در مملکت مثل خون است در بدن که زندگی مملکت با حرارت و دوران آن است. به این ترکیب که می‌بینیم در اندک زمان این یک مشت پول نقد ایران شکسته و سوخته و فنا می‌شود و این کار عاقبت خوشی ندارد.»

تذکری که حاج سیاح به ناصرالدین شاه داده بود با تمام سادگی عبارت، در بدن خود جبر ناشی از یک قانون گریزناپذیر اقتصادی را پنهان داشت اما ناصرالدین شاه کسی نبود که قدرت درک چنین واقعه‌ای را داشته باشد.

به این ترتیب کاهش ارزش پول ملی و تورم مزمن سالهای متمادی گریبان‌گیر اقتصاد ایران بود و

همین امر موجب شد سالها پس از مکالمه حاج سیاح با ناصرالدین شاه سیداشرف‌الدین حسینی مدیر روزنامه نسیم شمال بیتی بسراید به مضمون زیر:

کاش و گیوه و فستونی (فستونی) و چلو و گران
نسفت و کسیریت گران، کاغذ و سیگار گران
به هر حال بعد از انقلاب مشروطیت و با مداخله مردان وطن پرست و تحصیلکرده‌ای که با مشخصات اقتصاد نوین جهان آشنایی داشتند رفته رفته عارضه تورم مهار شد و تا مدتها ارزش پول ملی ایران نسبتاً ثابت ماند.

آیا جز اقتصاددانان دولتی، همه اشتباه می‌کنند؟

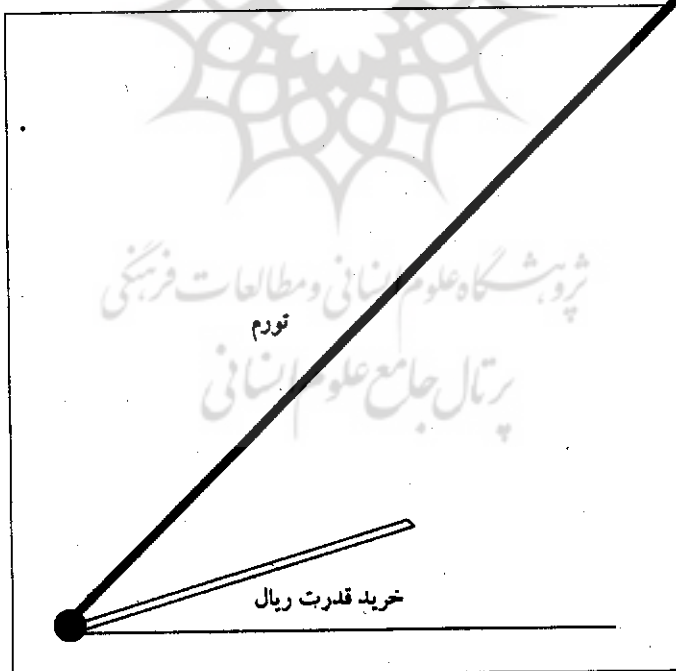
جالب است که علی‌رغم تفاوت‌های اساسی بین دیدگاه‌های این مکاتب اقتصادی، همه اساتیدی که مورد مراجعه «گزارش» قرار گرفتند در ۲ مورد نظریاتی کاملاً مشابه ارائه داده‌اند. ۱- در مورد ریشه‌های نابسامانی اقتصادی ایران ۲- در مورد پیامدهای وخیم سیاست‌های جاری اقتصادی.

مطالعه نظرات این گروه و تأمل و تعمق در آنها این سوال را پیش می‌آورد که آیا وقت آن نیست طراحان سیاست‌های اقتصادی کشور دست از لجبخت بردارند و با استفاده از دانش و تجارب دیگران، و با تکیه بر امکانات واقعی اقتصادی کشور و توجه به ظرفیت‌های جامعه مانع فروپاشی امور شوند.

مقالات اقتصاددانان محترمی را که خواهش ما را اجابت کردند بر حسب حروف اول نام فامیلی ایشان

ارائه کرده‌ایم و امیدواریم زحمتی که برای تهیه مقالات کشیده‌اند منتج به نتایج خیری برای کشور شود.

تماس ما با تک تک این افراد چنان بود که گویی فقط نظر شخصی ایشان را جوریا شدیم.



بنابراین هیچ کدام نمی‌دانست اقتصاددان دیگری هم در این زمینه اظهار نظر خواهد کرد. از طرفی، ما تعدد آکوشیدیم نظریات طرفداران مکاتب مختلف اقتصادی را جوریا شویم: طرفداران جان مینارد کینز - میلتون فریدمن - آدام اسمیت و ... و

چند سال متوالی است مستقدان برنامه‌های اقتصادی پیرامون عواقب ادامه این سیاست‌ها هشدار می‌دهند، اما برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان راه خویش را می‌روند و اگر گاهی زحمت جوابگویی را متحمل می‌شوند مستقدان را به کج فهمی و عدم درک عمق این سیاست‌ها متهم می‌کنند.

«گزارش» برای آن که دانسته شود آیا علی‌رغم فشارهای کنونی، همچنانکه برنامه‌ریزان و مجریان اقتصادی کشور بارها مدعی شده‌اند، این برنامه‌ها در درازمدت به شکوفائی اقتصاد منجر خواهد شد از چند اقتصاددان برجسته تقاضا کرد نظریات خود را در مورد اوضاع اقتصادی سالهای اخیر (خصوصاً سال ۷۳) و نیز پیش‌بینی‌هایشان را در مورد آینده (بویژه سال ۷۴) ارائه دهند. این

اساتید و دانشوران علم اقتصاد با وجود مشغله فراوان از سر لطف این دعوت را اجابت کردند و طی مقالاتی کوتاه، و با نثری که قابل فهم همگان باشد نظریات خود را در اختیار ما گذاشتند که در صفحات بعدی ملاحظه خواهید کرد.